



نشریات ناشنویان در ایران^۱

روزبه قهرمان^۲

می‌کرد؛ بنابراین، برای آنان که از شنیدن اصوات محروم بودند، کارکرد آموزشی نیز داشت.

مطالعه محتوای شانزده شماره مجله مذکور نشان می‌دهد باغچه‌بان که قبلاً جمعیت اتفاق معلمین را در جهت آگاهی دادن و احقاق حقوق آنان در تبریز پایه‌گذاری کرده بود، برای «انقلاب فرهنگی» خیلی اهمیت قائل بود و به درستی اعتقاد داشت که پایداری و استقلال شئون یک ملت به چگونگی فرهنگ آن‌ها بستگی دارد و تا فرهنگ اصلاح نشود، امور کشور اصلاح نخواهد شد و این مهم فقط از عهده معلمان بر می‌آید و بس.

چاپ تصویر «میرزا حسن رشدیه» در روی جلد اولین شماره مجله «زبان» و شرح احوال آن رادمرد نیک‌نام، بیانگر احترام و قدردانی عمیق باغچه‌بان نسبت به بنیان‌گذار آموزش و پرورش نوین ایران و مبدع روش آموزشی «الفبای صوتی» می‌باشد و نیز با ذکر این خاطره به خوانندگان به ویژه صنف معلمان و شاگردان می‌آموزد تا قدر مفاخر و بزرگان آموزش و پرورش کشور را بدانند و این امر با توجه به آن روزگار بی‌سابقه بود: «روزی که برای اولین بار در دبستان کر و لال‌ها بنده را با تشریف آوردن خود سرفراز فرمودند، یک ورق کاغذ را که شاهد رنج و گواه راستگویی عمل ایشان بود، به من نشان دادند. این کاغذ، دست‌خط شخص کوری بود که استاد محترم، او را تعلیم داده بود. هر چند این وزارت فرهنگ قدر زحمات بیست و دو ساله او را نشناخت و از عشق و زحمت او قدردانی نکرد و نمی‌کند ولی پیش ما این یک ورق کاغذ که گواه هزاران رنج غیرقابل تحمل و شاهد مجاهدت‌های این مرد بزرگوار صاحب عشق و ایمن بود، ارزش تام دارد».

اگر امروز ایشان بدون کامیابی و بدون تأسیس یک دبستان کوران در آستانه قم منزوی شده‌اند، تقصیر با ایشان نیست، این تقصیر همین وزارت فرهنگ بی‌هدف است که به معنی هنر و هنرمند آشنا نیست. شما غم نخورید، ای استاد محترم، زیرا انجام وظیفه کرده‌اید. بگذار ملتی تأسف بخورد که نتوانست حداکثر استفاده را از وجودتان بکند. او بعدها در مقاله‌ای جداگانه تحت عنوان «مجسمه مرحوم رشدیه فقط باید به تشویق آموزگاران و دو ریال شاگردان ساخته شود»، اندیشه والای خویش را به نمایش می‌گذارد:

ساختن مجسمه مرحوم رشدیه، که یکی از فرایض ملی است، باید با همت آموزگاران انجام یابد. نباید این مجسمه به وسیله پولداران سخاوتمند ملت ساخته شود زیرا در این صورت، آن تأثیر نیکی که باید از این عمل منعکس شود، انعکاس نخواهد یافت. ما آموزگاران می‌خواهیم بدین وسیله به ملت و فرزندان او یک درس فراموش نشدنی بدهیم و بفهمانیم آنچه که موجب موفقیت در کار است، صد تومانی‌ها و هزار تومانی‌های اشخاص خیر نیست و می‌توان با یک شاهی و صنارها کارهای بسیار بزرگی انجام داد. البته باید

پیدایش نشریات ناشنویان در ایران با فعالیت مطبوعاتی جبار باغچه‌بان (۱۲۶۴-۱۳۴۵ ش) - بنیان‌گذار آموزش ناشنویان - آغاز می‌شود. او اولین کسی بود که اهمیت این کار را درک کرد و شروع به انتشار نشریه نمود. چند دهه بعد با افزایش تعداد با سوادان ناشنوا، ناشی از گسترش آموزش و پرورش ناشنویان در ایران، زمینه چاپ نشریه توسط ناشنویان موفق فراهم شد. معمولاً وقتی جامعه به بلوغ خاص و تولید می‌رسد، و شروع به تألیف آثار علمی می‌کند. آنگاه از طریق راه‌اندازی مجله به اطلاع‌رسانی و معرفی تولیدات خود می‌پردازد.

زبان



باغچه‌بان کار روزنامه نگاری را با نوشتن در روزنامه فکاهی «ملانصرالدین»، چاپ تغلیس آغاز کرد. سپس مجله فکاهی «لک لک» را در ایروان به سال ۱۲۹۱ شمسی منتشر کرد. در سال ۱۳۲۰ که جو آزادی نسبی ناشی از سقوط دولت رضا خان پهلوی بر جامعه ایران حکمفرما بود، بار دیگر قلم به دست گرفت. او طی ملاقات با دکتر رضازاده شفق - از اساتید دانشگاه تهران - که برای بازدید دبستان کر و لال‌ها آمده بود، انگیزه این کار را روشن ساخت:

«روش تدریس الفبا در این کشور غلط است. من باید روش تدریس الفبا را عوض کنم و برای این مبارزه، باید امتیاز مجله‌ای را بگیرم و صدایم را به گوش همه آموزگاران کشور برسانم و آن‌ها را با خود هم صدا کنم». باغچه‌بان بعد از اخذ امتیاز از وزارت فرهنگ به شماره ۸۲۷۷/۳۵۴۹۳ و تاریخ ۱۴/۱۲/۱۳۲۲، به نشر اولین شماره مجله «زبان» در اول بهمن ۱۳۲۳ پرداخت که طی ۱۶ شماره تا اردیبهشت ۱۳۲۶ ادامه یافت. منظور باغچه‌بان از «زبان»، زبان آموزگاران بود و تقریباً تمام مطالب مجله را خودش می‌نوشت. او در این میان، هیچ‌وقت از توجه به کودکان غافل نبود لذا در برخی از شماره‌ها، صفحه‌هایی برای آنان داشت که ساده، کودکانه و موزون بود و به منظور پاسخگویی به نیاز کودکان ناشنوا و کار با آنان، گاه گاه شعرهایی می‌سرود که در آن، اصوات شامل صدای جانوران، اشیاء، گریه و خنده و آواهای کودکان، مهم‌تر از معانی جلوه

۱. شکست سکوت، ش ۱۶ و ۱۵، ص ۳۹-۴۷؛ دانشنامه ناشنویان، ص ۱۱۵۵-۱۱۵۲.
۲. ناشنوا؛ پژوهشگر و نویسنده مسائل و موضوعات ناشنوایی.



محل فعالیت خانه جوانان ناشنوا به راهنمایی و باری «جولیا سمیعی»، بنیان‌گذار گروه پژوهش زبان اشاره فارسی، در آذرماه ۱۳۵۳ به خیابان انقلاب، خیابان کاخ (فلسطین کنونی) انتقال یافت. در خرداد ۱۳۵۸ اولین شماره نشریه خانه جوانان ناشنوا تحت عنوان «سنگر» در چهار صفحه و قطع یخچالی با سردبیری کامران رحیمی منتشر شد. کامران رحیمی که بعد از گذراندن دوره زبان‌آموزی و در اثر ابتلا به بیماری، قوه شنوایی خود را از دست داده بود هنر نویسندگی خود را با نوشتن دو کتاب ادبی «خورشید خاموشان» (۱۳۴۷) و «آدم‌های سنگی» (۱۳۵۸) نشان داد. او در سرمقاله شماره اول نشریه، معنای نمادین «سنگر» را به خوبی شرح داده و اظهار امیدواری کرده است که به برکت پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، ناشنوایان بتوانند محرومیت‌های خویش را برطرف کنند و با سنگر گرفتن، در مقابل زورگویی‌ها و متجاوزان به حقوق ناشنوایان بایستند.

مطالب منتشره در نشریه «سنگر» متنوع بود و همه چیز، مانند مقاله، مصاحبه، اخبار، گزارش، جدول و حتی کاریکاتور در آن دیده می‌شد که با شور و هیجان جوانی همراه بود. مصاحبه با محسن لوح موسوی و همچنین طرح‌های سیامک اشرفی‌نیا از مطالب قابل توجه نشریه به شمار می‌آمد. «سنگر» به طور کلی، جنبه روشنگری و آگاهی‌دهنده داشت. بنابراین علی‌رغم گذشت سال‌ها، ارزش خود را همچنان حفظ کرده است.

نشریه «سنگر» بعد از شماره چهارم، متأسفانه در پاییز ۱۳۵۸ به پایان خط رسید و داغ آن بر دل جوانان ناشنوا ماند. البته بعدها نمونه مشابه آن به صورت خبرنامه داخلی تحت عنوان «پژواک سکوت» توسط جوانان ناشنوای فرهنگسرای شفق (یوسف آباد)، در بهار ۱۳۷۷ پایه‌گذاری شد که سردبیری آن برعهده حبیب مهدوی نوشهر بود. انتشار این فصلنامه بعد از حدود یک سال و نیم متوقف شد.

آوای سکوت - صدای ناشنوا

کانون کر و لال‌های ایران در سال ۱۳۷۲ در محل آپارتمان اهدایی شهرداری منطقه پنج تهران، در نبش فلکه دوم صادقیه (آریاشهر) مستقر گردید و با پیشنهاد گروهی از ناشنوایان تحصیل کرده و تأیید اعضای هیئت مدیره، «کانون ناشنوایان ایران» نام گرفت و طرح چاپ خبرنامه کانون تحت عنوان «آوای سکوت»، پی‌ریزی شد. گروه همکاران شامل حبیب

مهدوی نوشهر، هادی معیری، حبیب تهرانی‌زاده، مرتضی پیروزی، رضا محمودی و روزیک شهبازیان با سردبیری محمود پاکزاد، دبیر کل کانون، خبرنامه مذکور را به صورت فصلنامه چاپ می‌کردند و در آن، ناشنوایان، اولیای آنان، مربیان مراکز آموزشی و توان‌بخشی ناشنوایان و سایر

دانست، رشدی به مجسمه احتیاج ندارد و روح بزرگ او نیازمند این امرها نیست. او کارهای نیک خود را برای خدا و وجدان خود کرده و رفته است. علت تعطیلی اجباری مجله «زبان» که دفترش در خیابان چراغ برق نرسیده به سه راه امین حضور، کوچه معاون السلطان، کوچه بازار کارخانه، شماره ۴۰ قرار داشت، «نداشتن کمک» بوده است. با وجود اینکه در سه سال بعد، نامه وزارت فرهنگ به شماره ۱۰۵۲۵/۴۴۸۸۳ در تاریخ بیستم اسفند ۱۳۲۹ ادامه انتشار مجله «زبان» را مجاز دانست، باغچه‌بان به خاطر درگیری با مسائل روز افزون مربوط به آموزش کر و لال‌ها، دنبال آن کار نرفت و با قناعت زندگی می‌کرد. احمد آرام، محسن هشترودی در تنظیم و تدوین مطالب به باغچه‌بان کمک می‌کردند.

گزارش

کانون کر و لال‌های ایران که دفترش در کاخ ورزش، اطاق شماره ۷۷ قرار گرفته است، در پاییز ۱۳۴۲ با چاپ نشریه «گزارش» به عنوان پیشگام در تاریخ نشریات ناشنوایان در ایران شناخته شد. اولین شماره نشریه یاد شده در چهار صفحه و قطع یخچالی منتشر شد و تمام مطالب آن به ناشنوایان اختصاص یافت، مانند: اساسنامه کانون، نتیجه انتخابات هیئت



مدیره جدید کانون، تأسیس آموزشگاه فنی و حرفه‌ای کر و لال‌ها (نظام مافی) و گزارش کنگره بین‌المللی کر و لال‌ها در شهر استکهلم پایتخت سوئد (۲۶ مرداد، ۳ شهریور) که رضا قلی شهیدی، از اولین شاگردان باغچه‌بان، به نمایندگی از کانون کر و لال‌ها شرکت کرده بود. در صفحه چهارم، علی سرتیپی به عنوان رئیس هیئت مدیره کانون «گفتاری چند با هموطن عزیز» را مطرح کرد که قابل توجه است:

«فشار طاقت فرسای زندگی و محرومیت‌های بی حد اجتماعی سالیان درازی است بدون هیچ علتی تنها به سبب خشم طبیعت و محرومیت از دو نعمت بارز بشری یعنی شنوایی و گویایی نصیب جامعه کر و لال‌های کشور می‌باشد. این محرومیت، من و سایر همدردانم را بر آن داشت که به خاطر حفظ حقوق بشری خود و یاری و کمک به هم‌دردان خویش، با کمک چند نفر از افراد خیراندیش شنوا کانون کر و لال‌های ایران را در چهاردهم اسفند ۱۳۳۹ تشکیل داده و اساسنامه آن را در ۱۷ ماده به ثبت رسانیم.»

رد پای جبار باغچه‌بان که به طور سرپسته توسط علی سرتیپی به عنوان فرد خیراندیش شنوا یاد می‌شود، در سبک و مفاد نشریه مذکور و همچنین مفاد اساسنامه اولیه کانون دیده می‌شود چرا که او همیشه دوست داشت از هر راهی که بتواند، به ناشنوایانی که فارغ‌التحصیل شدند، هویت و شخصیت مستقلی ببخشد. چاپ نشریه مخصوص ناشنوایان بهترین راه برای این منظور بود اما ظاهراً انتشارش به همان شماره محدود ماند هر چند تأثیر آن بر نشریات بعدی ناشنوایان وسیع بود و ناشنوایان از این طریق، توانایی و موجودیت خود را باور کردند.

سنگر(اشاره)

گروهی از جوانان فارغ‌التحصیل ناشنوای مدرسه باغچه‌بان به سرپرستی «کامران رحیمی» و «محسن لوح موسوی» که از بهترین شاگردان ثمینه باغچه‌بان محسوب می‌شوند، در سال ۱۳۴۹ «خانه فرهنگ جوانان ناشنوای ایران» را در آن مدرسه تشکیل دادند که در آن به فعالیت‌های فرهنگی و هنری، به ویژه پانومیم پرداخته می‌شد و اغلب کارگردانی آن برعهده پروانه باغچه‌بان و سپس کامران رحیمی بود.

نهادهای مربوط به قشر ناشنوا را از آخرین اخبار مربوط به ناشنویان ایران و همچنین جهان که در مجله فدراسیون جهانی ناشنویان (WFD) و سایر بروشورهای بین‌المللی آمده بود، با خبر می‌ساختند.

در بهار ۱۳۷۶، با بروز اختلاف در خط‌مشی فکری میان گروه همکاران ناشنوا با سردبیر که فردی شنوا بود، وقفه‌ای در ترتیب زمانی انتشار خبرنامه پیش آمد و سرانجام در ۱۳۷۷ به پایان خود رسید، زیرا به خاطر داشتن مطالبی انعطاف‌ناپذیر همچون محکوم کردن تمام روش‌های موجود آموزش ناشنویان به جز روش آموزش شفاهی که مورد علاقه سردبیر بود و همچنین بی‌اعتنایی او به ارزش فرهنگ زبان اشاره ناشنویان، زیاد مورد استقبال خود ناشنویان تحصیل کرده قرار نگرفت.

با شروع به کار دکتر خسرو گیتی به عنوان دبیر کل جدید کانون در تابستان ۱۳۷۸، سیاست‌گذاری کل خبرنامه کانون تغییر یافت و با نام جدید «صدای ناشنوا» در زمستان ۱۳۸۱ چاپ شد که از نظر اطلاعات جامع و گوناگون، مفید بود و اعضای ناشنوا و نیز علاقه‌مندان را از افکار و اخبار راجع به ناشنویان در ایران و جهان آگاه می‌سازد. سر مقاله خبرنامه بهار ۱۳۸۲ که توسط دکتر خسرو گیتی تحت عنوان «ناشنوا در قرن بیست و یکم» نوشته شده است. از مطالب قابل توجه محسوب می‌شود. گروه همکاران خبرنامه مذکور که به صورت فصلنامه تا کنون همچنان چاپ می‌شود، عبارتند از: محسن لوح موسوی، حبیب مهدوی نوشهر، حبیب تهرانی زاده، مرتضی پیروزی و روزبه قهرمان.

صدای ناشنوا به عنوان یک نشریه درون سازمانی و برای اعضا منتشر می‌شد. به شکل جزوه و در تیراژ محدود منتشر می‌شد. محتوای آن اخبار کانون و رخدادهای مهم ناشنویان در جهان بود.

به گفته دکتر خسرو گیتی در سر مقاله، قرار است پس از اخذ امتیاز یک نشریه به نام کانون ناشنویان ایران از وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، با تیراژ هر چه بیشتر نه فقط برای ناشنویان بلکه برای افزایش آگاهی عموم تهیه و منتشر گردد.

شکست سکوت



کانون ناشنویان خراسان، به همت گروهی از ناشنویان مشهد، به ویژه حسین تقی‌زاده منعمی در بهار ۱۳۶۵ تأسیس شد و به عنوان شعبه‌ای از کانون ناشنویان ایران فعالیت خود را آغاز کرد و با ورود جوانان ناشنوی تحصیل کرده به هیئت مدیره کانون در بهار ۱۳۷۵ به صورت فعال‌ترین کانون ناشنویان در سراسر کشور درآمد و اولین شماره خبرنامه شکست سکوت در تابستان ۱۳۷۵

با مدیر مسئولی محمد سعیدی و سردبیری روزبه قهرمان چاپ شد که در آن تمام مطالب مخصوص ناشنویان به صورت مقاله، مصاحبه، اخبار استان خراسان و ایران و جهان، گزارش و جدول دیده می‌شود. بعد از تلاش‌های زیاد محمد سعیدی و روزبه قهرمان بالاخره امتیاز رسمی وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی برای انتشار نشریه شکست سکوت و توزیع آن در سراسر کشور، در پاییز ۱۳۸۰ صادر شد.

بدین ترتیب، اولین مجله رنگی در طول تاریخ نشریات ناشنویان ایران، با عنوان شکست سکوت در بهار ۱۳۸۱ چاپ شد که تمام موازین حرفه مطبوعاتی در آن مورد توجه قرار گرفته است.

در شماره اول نشریه مذکور، تاریخچه و معرفی فعالیت‌های گسترده کانون ناشنویان خراسان (مرکز مشهد) به همراه آشنایی با همکاران

نشریه که بعضی از آنان عضو هیئت مدیره کانون هم هستند، آورده شد. مقالات تحقیقی و علمی در زمینه ناشنویان همچون ناشنویان از دید شاعران دوره صفوی، عقدالانامل (مقدمه برای ایجاد الفبای یک دستی ناشنویان)، کاشت حلزون شنوایی و وزوز گوش از مطالب قابل توجهی است که در شماره‌های مختلف نشریه مذکور به چاپ رسیده و مشابه آن در هیچ یک از نشریات گذشته ناشنویان دیده نمی‌شود.

توجه ویژه به فرهنگ زبان اشاره فارسی و چاپ تعدادی از اشارات روزمره ناشنویان از ویژگی‌های نشریه یاد شده محسوب می‌شود و همچنین درج گزارش کامل مأموریت آموزشی پنجاه و پنج روزه قهرمان در ژاپن (زمستان ۱۳۸۱) و خبر حضور وی و مرتضی پیروزی به عنوان نمایندگان کانون ناشنویان ایران در کنفرانس فدراسیون جهانی ناشنویان در مونترال، کانادا (پاییز ۱۳۸۲) موجب آشنایی خوانندگان اعم از ناشنویان، اولیایی آنان، معلمان، کارشناسان و مسئولان با وضعیت ناشنویان در دنیا گردیده است. چاپ آگهی‌های تبلیغاتی ویژه ناشنویان و نیز تسلیت و تبریک از نکات قابل توجهی می‌باشد که در مجله مذکور دیده می‌شود.

تعداد زیاد مقالات و مطالب خبری و گزارشی که در سراسر کشور به دفتر نشریه فرستاده و چاپ می‌شود، نشان‌دهنده محبوبیت روزافزون نشریه در جامعه ناشنویان ایران است.

دیگر نشریات

نشریات ناشنویان در ایران را می‌توان از نوع «نشریات سازمانی» دانست زیرا به یک نهاد ویژه همچون خانه فرهنگ جوانان ناشنوی ایران، کانون کر و لال‌های (ناشنویان) ایران و خراسان تعلق داشته و دارند و مخاطبان آن‌ها اغلب از اعضای خودشان، یعنی ناشنویان بودند.

توجه روزافزون به معلولین در مطبوعات پیراژنی چون روزنامه اطلاعات، سبب شد که صفحه ویژه‌ای تحت عنوان «با معلولین» به آنان اختصاص یابد و در یکشنبه‌ها یک در میان (صفحه یازده) منتشر شود. مسئولیت این صفحه بر عهده رضا عبداللهی بود که معلول جسمی می‌باشد. او در سر مقاله‌ای به مناسبت روز جهانی معلولین (دوازدهم آذر) سال ۱۳۷۱ مژده گشایش صفحه مذکور را اعلام داشت.

رضا عبداللهی دست به انتشار مجله حرکت در تابستان ۱۳۷۷ هم زد که موضوعات آن حول معلولین از جمله ناشنویان بود. متأسفانه مجله مذکور و همچنین صفحه «با معلولین» در روزنامه اطلاعات به علت مسافرت نامبرده به خارج از کشور، در سال ۱۳۷۸ تعطیل شد.

سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور دارای مجله استثنایی می‌باشد که به صورت فصلنامه از سال ۱۳۷۰ منتشر می‌شود و مطالبی در مورد ناشنویان در آن دیده می‌شود.

البته مجلات «حرکت» و «استثنایی» را نمی‌توان جزو نشریات ناشنویان به حساب آورد زیرا محتوای مطالب مجلات یاد شده علاوه بر ناشنویان، سایر معلولان همچون نابینایان، معلولان ذهنی و جسمی را نیز در بر می‌گیرد.

منابع

باغچه‌بان، ثمینه. «بنیان‌گذار آموزش و پرورش ناشنویان، روزنامه نگار بود». روزنامه همشهری، ۲۰ اسفند ۱۳۷۳؛ باغچه‌بان، ثمینه. «جبار باغچه‌بان و مجله زبان». مجله پر، شماره ۱۱۰، اسفند ۱۳۷۳؛ قهرمان، روزبه. بررسی چگونگی گسترش آموزش و پرورش ناشنویان در جهان اسلام، به خصوص در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، تابستان ۱۳۸۱، صص ۱۴۶-۱۴۸؛ اسنادی از مطبوعات ایران (۱۳۲۰-۱۳۴۰ شمسی). اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور، ۱۳۷۸، صفحه ۱۱۷؛ زبان؛ گزارش؛ سنگر؛ پژواک سکوت؛ صدای ناشنوا؛ شکست سکوت.